

گروه سه نفره دختران «حماسه مقاومت دانش آموز» خود را سرباز فرهنگی این شب‌ها می‌دانند

از خیابان تا فضای مجازی، پای کاریم



راه تجربه



فاطمه سیرجانی اباگرگ و میش هوا، شلوغی حاشیه بولوار وکیل آباد جان می‌گیرد. تکاپو و تقلا جوان ترها برای پهن کردن فرش ها و روشن کردن نورافکن ها، دیدنی است. قرارشان این است که هر شب پای کار باشند تا چیزی کم و کسر نباشد. اینجا ایستگاه اجتماعات شبانه مسجد الزهرا^(س) محله دانش آموز است؛ جایی که هر شب بوی جای صلواتی و شربت نذری با صدای دعای توسل و نوای ا... اکبر گره می خورد. صدای های سفیدرذیف می شوند و پسرک های چهار پنج ساله با لباس های چریکی، پرچم به دست رویه خیابان می ایستند و برای ماشین های عبوری پرچم تکان می دهند. اما در گوشه ای از همین هیاهوی پر از شور، چند دختر جوان تصمیم گرفته اند کاری فراتر از خدمت در موکب را بر عهده بگیرند.

آن ها شروع کرده اند به انجام کار فرهنگی در ایستگاه مردمی و تولید محتوا در فضای مجازی، وی بی آنکه دوره ای دیده باشند، خبرنگار، عکاس و تدوینگر افتخاری محله شده اند. حالا کانال «حماسه مقاومت دانش آموز» در فضای مجازی، پنجره ای است به آنچه هر شب تا وقت پیروزی، نبش وکیل آباد ۱۷، حوالی ورودی بولوار دانش آموز رخ می دهد.

اینجادل هابرای ایران می‌تپد

ساعت ۱۰ شب می‌گذرد. صدای های پراست از مردمی که پرچم به دست گرفته اند. موسیقی حماسی تندتر می‌شود و در ابتدای بولوار دانش آموز جمعیت موج می‌زند. سیده ریحانه احمدزاده، دانش آموز سال آخر دبیرستان که با خبرگزاری پانا و انجمن اسلامی مدرسه همکاری می‌کند، درباره دلایل این استقبال می‌گوید: اینجا فقط شور نیست؛ برنامه‌ها هم تنوع دارد. پاسخ به سوالات شرعی، روایتگری زندگی شهدا با حضور راوی و خانواده شهید، برپایی ایستگاه سلامت با حضور پزشک، اجرای نقاشی و خوش نویسی روی پلاکارد، توزیع نذورات مردمی و... برنامه‌هایی که در جذب مخاطب می‌کند که شب‌های اول شکل‌گیری به اجتماعات دیگری می‌رفت. اما یک شب که اتفاقی گذرش به اینجا افتاد، بچه‌ها با او مصاحبه‌ای کردند برای کانال محله. همین کانال، مسیر برنامه حضورش در اجتماعات را عوض کرد. اومی گوید: وقتی عضو کانال «حماسه مقاومت دانش آموز» شدم، بادیدن محتوای آن، خودم پیشنهاد همکاری دادم.

ریحانه در حالی که لبخندی گوشه لبش نشسته است، خاطره‌ای را به یاد می‌آورد که برایش جالب بوده است: «یک شب خیلی آمد. تعداد زیادی کتابچه حاوی متن سوره نصر و فتح آورده بود برای توزیع. یکی از بچه‌ها آن را بین مردم پخش کرد و من هم فیلم می‌گرفتم. رسیدیم به خانمی حدوداً هشتاد ساله. کتاب را که گرفت، نگاهی به آن انداخت و بغضش ترکید و شروع کرد به گریه. علت را که پرسیدم، گفت سر موضوعی چند روزی است دلش به شدت گرفته. امشب نیتی کرده و با پسرش به اینجا آمده و از خدا خواسته اگر مشکلیش حل می‌شود، نشانه‌ای به او نشان دهد. دیدن آن کتاب و سوره فتح برای آن زن سالمند یک نشانه بود. خدا را شکر می‌کرد که اینجا آمده.» این نوجوان نفس عمیقی می‌کشد. نگاهش به پسر حدودا دوسه ساله‌ای که پرچم بزرگی را سعی می‌کند برافراشته نگه دارد، گره می‌خورد. بلافاصله دوربین را برمی‌دارد و برای ثبت این صحنه به سرعت به سمت سوژه می‌رود.

نورافکن‌ها هر گوشه را روشن کرده‌اند. اما روشن تر از همه، دل‌هایی است که هر شب در هوای گرگ و میش، برای ایران می‌تپد.



این حضور، خاری به چشم دشمنانمان است

چند قدم آن طرف تر، مردان، نورافکن‌ها را روشن می‌کنند. فرش‌ها را کنار می‌کشند و پهن می‌کنند. نوجوان‌ها با سینی‌های پراز استکان چای لابه‌لای جمعیت می‌چرخند. در این شلوغی پراز عشق، حدیثه نظام خواه، از اهالی محله، حضور دارد. از شب اول اینجا بوده و مسئولیتش، تهیه عکس و فیلم و ویرایش آن برای فضای مجازی است. حدیثه در حالی که نگاهش روی بنر بزرگ تصویر رهبر شهید انقلاب، آیت... سیدعلی خامنه‌ای است، می‌گوید: حضور ما کوچک‌ترین کار است در برابر آن‌هایی که جان خود را فدا کردند. در اتاق کارشان، پای لانچر، پای پدافند، لب مرزها، روی ناو هواپیما برود در دل تاریکی، آن‌ها جانشان را کف دستشان گذاشته اند تا مارتاحت بخوابیم.

صدایش می‌لرزد، اما محکم ادامه می‌دهد: مردم ما درک می‌کنند. همین که این شب‌ها توی کوچه‌ها و خیابان‌ها، سر هر چهارراه و میدان پرچمی بالا می‌رود، قوت قلبی می‌شود برای رزمندگان خط مقدم و خاری در چشم دشمنی که نمی‌تواند این اتحاد و انسجام ملی را ببیند. ما کار میدانی و مجازی را پیش می‌بریم تا بتوانیم آنچه را در اجتماعات رخ می‌دهد، به بهترین شکل نمایش دهیم.

حدیثه از یکی از چالش‌های شبانه می‌گوید که اشک همه را درآورد: «یک شب در یکی از این چالش‌ها به مخاطبمان می‌گفتم در پاکت عکسی است از وسایل سرباز شهیدی که تازه خدمتش تمام شده است. تصور شما از آن وسایل چیست؟ هر کسی چیزی گفت. یکی می‌گفت ماشین، یکی دیگر حلقه ازدواج، یکی می‌گفت عکس پدر و مادر سرباز... بعد عکس را نشان دادیم؛ تصویر چندتکه لباس نوزادی. عکس لباس‌هایی که برای نوزاد چند روز پیش خریده بود. آن سرباز به همراه همسر و فرزندش در حمله‌ای که کردستان شهید شده بود. مردم با شنیدن داستان آن تصویر منقلب می‌شدند و اشک می‌ریختند. آن شب خیلی‌ها فهمیدند چه رنج‌های بزرگی پشت جنگ پنهان شده است.»

او ادامه می‌دهد: وظیفه کار فرهنگی ما این است که این واقعیت‌ها را در خیابان و فضای مجازی به مردم نشان دهیم.



خانمی جنگ زده جرقه کار را زد

یکی از دختران پای کار، پریسا یارا حمدی است؛ دانشجوی مهندسی مکانیک دانشگاه فردوسی که هر شب خود را به اینجا می‌رساند. او درباره چرایی حضورش در این اجتماعات می‌گوید: این حضور مردمی، یک کار جمعی جانانه است. بچه‌های مسجد الزهرا^(س) و پایگاه بسیج برادران، از شب اول تا همین امشب که هفتاد مین شب را پشت سر می‌گذاریم، خستگی نمی‌شناسند.

یادش می‌آید شب‌های اول فقط پرچم گردانی و پخش سرودهای حماسی انجام می‌شد، اما کم‌کم برنامه‌های فرهنگی شکل دیگری گرفت. برگزاری چالش‌های شبانه، برنامه‌های متنوع برای بچه‌ها و نوجوانان، مستندسازی از مراسم و بارگذاری در فضای مجازی و... جمعیت را هر شب بیشتر کرد.

پریسا تعریف می‌کند: از همان شب‌های اول، شور عجیبی اینجا حاکم بود. مردم برای دفاع از ایران عزیز می‌آمدند پرچم بگرداندند. او از خانمی می‌گوید به نام محدث موسوی. از جنگ زده‌های تهران که به مشهد پناه آورده و شده بود پای ثابت این مراسم: «خانم محدث بود که در غده کار در فضای مجازی و تولید محتوا را به ذهن ما انداخت. او می‌گفت باید صدای اهالی این محله را به همه شهر برسانیم و الگوسازی کنیم برای دیگر محلات.»

کار بارها اندازه‌های کانال در فضای مجازی و با چند عضو محدود آغاز شد؛ بعد از آن، خود دخترها ایده‌های جدیدی ارائه کردند. اتفاق فکر راه انداختن برنامه‌ها غنی تر شود و هیچ‌کس، از بچه چهار ساله تا پدربزرگ هشتاد ساله، از این جمع بیرون نماند. پریسا می‌گوید: برای کودکان و نوجوانان برنامه‌ای خاص در نظر گرفتیم. تئاتر به مناسبت روز دختر با محوریت دختران شهید میناب، سرودهای حماسی، چالش‌های تأثیرگذار، بخش نقاشی و فوتبالی دستی برای پسرها و... خواستیم همه حس کنند که اینجا خانه خودشان است.

این طور شد که چند دختر نوجوان، یک کار زیبا را آغاز کردند که هم در میدان، حرف برای گفتن داشت و هم در فضای مجازی.

